



برافراشتن پرچم انقلاب زن زندگی آزادی و دفاع از رنگین کمانی‌های ایرانی در فستیوال پراید استکهلم

رهبر انقلاب زن، زندگی، آزادی کیست؟

کاظم نیک‌خواه
صفحه ۳

طرح‌های جدید "امنیت اینترنت و مسدودسازی پلتفرم‌ها" توسط حکومت

محمد شکوهی
صفحه ۵

اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۶

گزارشی از آکسیون‌های هفته اخیر

صفحه ۱۰



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۳۷

جمعه ۲۰ مرداد ۱۴۰۲، ۱۱ اوت ۲۰۲۳

جنبش بی‌حجابی در آستانه سال‌روز انقلاب

اصغر کریمی

کمتر مسئله‌ای در طول عمر ۴۴ ساله جمهوری اسلامی مانند مسئله حجاب این چنین حکومت و همه ارگان‌ها و مقاماتش را سردرگم و کلافه کرده است. برای اثبات این حکم، صرف نظر از ناتوانی حکومت در مقابل موج بی‌حجابی در خیابان‌های تهران و سراسر کشور، کافی است به لایحه حجاب و عفاف و پروسه بحث و تصمیم‌گیری حول آن در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس اسلامی، نگاهی بیندازیم.

هشت ماه پس از شروع انقلاب زن زندگی آزادی که به دنبال قتل مهسا از ۲۵ شهریور سال قبل شروع شد، حکومت به این نتیجه رسید که قوانین قبلی مربوط به حجاب و عفاف عملی نیست، شکست‌خورده و باید فکری به حال آنها بکند. وظیفه نوشتن لایحه به قوه قضاییه سپرده شد. قوه قضاییه لایحه را به دولت داد و دولت پس از اصلاحاتی آن را با قید دو فوریت در اردیبهشت‌ماه به مجلس ارائه داد. دو ماه و نیم طول کشید که کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس ۱۵ بند را به ۷۰ بند رساند و آن را علنی کرد. یکی از نمایندگان مجلس گفته است این طرح پس از برگزاری ۳۰۰ جلسه با شورای انقلاب فرهنگی و شورای امنیت ملی نهایی شده و به تأیید رهبری و قوه قضاییه و ارگان‌های دیگر رسیده است. حسن نوروزی، عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس، نیز گفته است: "نیازی نیست همه نمایندگان درباره لایحه عفاف و حجاب نظر دهند". "اگر این گونه شود، مانند طرح صیانت، هوا می‌شود!"

حکومتی که ۴۴ سال در قانون‌گذاری علیه بی‌حجابی و سازماندهی حداقل ۲۶ ارگان حکومت و هزینه کردن میلیاردها دلار وقت خود را صرف این مسئله کرده است و تک‌تک نمایندگان مجلس نیز در زمینه اموری مانند حجاب و بی‌حقوقی زنان خبره شده‌اند، پس از دو ماه و نیم و برگزاری ۳۰۰ جلسه تازه موفق شده‌اند لایحه‌ای در یک کمیسیون به تصویب برسانند و حالا جرئت نمی‌کنند آن را در صحن علنی مجلس اسلامی‌شان به بحث بگذارند. یعنی در صورت طرح آن در حضور همان نمایندگان اسلامی که از صد فیلتر عبور کرده‌اند چنان اختلاف نظرات و تشنجات بالا می‌گیرد که لایحه به هوا می‌رود. روشن است که بدون طرح آن در مجلس نیز مشروعیتش از همان ابتدا زیر سؤال می‌رود و بحران دیگری برای حکومت می‌آفریند.

اما مشکل حکومت فقط این نیست. طرح را با هر شامورتی بازی باید از طرف مجلس به شورای نگهبان بدهند و معلوم نیست شورای نگهبان چگونه به آن برخورد می‌کند. میزان

مخالفت‌هایی که از دوازدهم با این لایحه شده ادامه در صفحه ۲

جنبش بی‌حجابی در آستانه سالروز انقلاب
از صفحه نخست



است تردیدی باقی نمی‌گذارد که شورای نگهبان نیز نمی‌تواند به‌راحتی با آن موافقت کند. حسین شریعت‌مداری نماینده خامنه‌ای که گرایشی را در میان اصول‌گرایان نمایندگی می‌کند گفته است: "در اوج برخورد پس از چند بار بی‌توجهی به پیامک‌ها، کشف حجاب کننده حداکثر به دو میلیون تومان جریمه نقدی محکوم می‌شود. تنها راه عاقلانه برای پیشگیری از کشف حجاب، پس گرفتن این لایحه است. اگر لایحه عفاف و حجاب آن گونه که هست به تصویب برسد، نقش آن در پیشگیری از بی‌حجابی شبیه آن است که بخواهیم با کشیدن سیم‌خاردار از آسیب سیل جلوگیری کنیم!" در مقابل برخی مقامات فعلی و سابق حکومت از زاویه دیگری با آن مخالف‌اند. مهدی گلشنی با سابقه ۲۵ سال عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی گفته است: "حجاب را با زور نمی‌توان تزییق کرد. مسئله حجاب را به جایی رساندند که حل کردن آن سخت شده است... جامعه ما به سمت بی‌دینی

یا به سمت زوال تفکر دینی می‌رود. در حال حاضر دانش‌آموزانمان با فرهنگ ملی - دینی ما بیگانه هستند. حتی مردم نیز با فرهنگمان بیگانه هستند." حجت‌الاسلام عبدالحسین خسروپناه دبیر فعلی شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز گفته است: "قانون حجاب واقعاً اجراشدنی نبود. قانون این بود که اگر خانمی حجاب را رعایت نکرد، جرم است؛ نیروی انتظامی باید او را دستگیر کند و تحویل قوه قضائیه بدهد تا او را محاکمه کند و محاکمه او چند ماه طول می‌کشد. این فرآیند اصلاً شدنی نیست و بعد هم احتمالاً قصه‌ای مثل آن خانم که سخته کرد پیش می‌آید... جمعیت زنانی که از حجاب اجباری سرباز می‌زنند بسیار گسترده‌تر از حدی است که حکومت توان مقابله، برخورد و

بازداشت آنها را به‌عنوان "مجرم" داشته باشد" و روزنامه رسالت نوشته است: "از دست قوانین، بخواهیم یا نخواهیم، کار اصلی بر نمی‌آید." روزنامه فرهیختگان وابسته به اصول‌گرایان و نزدیک به حکومت هم در مقاله‌ای ضمن تقدیر از جمع کردن گشت ارشاد، به نقد لایحه پرداخته و ناآرامی بودن جریمه را مورد نقد قرار داده است. اینجا از اظهار نظر بسیاری از مقامات و آیت‌الله‌ها و مدرسین "حوزه علمیه" که به این نتیجه رسیده‌اند که دوران حجاب اجباری به سر آمده و به حکومت هشدار می‌دهند با آتش بازی نکنید، می‌گذریم.

همین چند نقل کافی است تا ببینیم حال‌وروز حکومت و ارگان‌هایش، شکاف‌های عمیق آنها و تردیدها و تزلزل‌های آنها در موضوع حیاتی حجاب چگونه است. خود این لایحه نیز هرچند بندهایی در مورد دستگیری بی‌حجابان دارد؛ اما همانطور که کیهان شریعت‌مداری گفته است اساس را بر جریمه نقدی قرار داده است و از گشت ارشاد و شلاق هم خبری در آن نیست. در واقع این لایحه خود محصول توازن قوای جدیدی است که جنبش وسیع بی‌حجابی و انقلاب زنانه جاری به حکومت تحمیل کرده است.

باتوجه به این نکات آیا روشن نیست که حکومت توان مقابله با جنبش بی‌حجابی و تغییر سبک زندگی مردم را ندارد؟ حکومتی که در اوج قدرت خود و با بسیج همه نیرویش علیه زنان در زمینه حجاب شکست خورده است، چگونه قرار است در وضعیت بحران‌زده کنونی و با شکاف‌های عمیق و ریزش شدید صفوفش، با زنانی که در ابعاد چندین میلیونی حجاب را کنار گذاشته‌اند، طرف شود؟ روزنامه رسالت به یک معنی حقیقتی را گفته است که "از دست قانون کار چندانی ساخته نیست". مسئله اما بسیار فراتر از قانون است. از دست کل حکومت هم کاری ساخته نیست. اما تا جایی که به قانون مربوط می‌شود نیز در دل جنگ عظیمی که در طول سالیان دراز میان زنان و جمعیت مدرن کشور با حکومت بر سر حجاب و تغییر سبک زندگی جریان داشته و در یک سال گذشته به اوج خود رسیده است، قانون نمی‌تواند نقش مهمی ایفا کند. خود این قانون یا لایحه نیز حتی اگر به سرانجامی برسد که بعید است برسد، پایدار نخواهد بود.

واقعیت این است که حکومت نمی‌تواند با وضع موجود کنار بیاید و اجازه دهد این سنگر مهم سیاسی و ایدئولوژیکش درهم‌شکسته شود. محمد دهقان معاون حقوقی رئیسی. بر نکته درستی انگشت گذاشته است: "اگر قرار باشد در کشور

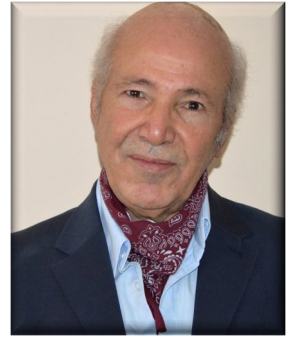
حجاب نباشد اصلاً جمهوری اسلامی خیلی معنا پیدا نمی‌کند برای همین نباید نسبت به آن مسامحه کنیم." اما از طرف دیگر زنان و مردمی که زنجیرهای بردگی را پاره کرده و توازن قوا را به طور محسوسی به نفع خود تغییر داده‌اند، نه تنها برای پیشروی بیشتر بلکه حتی برای حفظ همین درجه از پیشروی نمی‌توانند کوتاه بیایند. به این معنی نقطه تعادلی در زمینه حجاب وجود ندارد و وضعیت موجود شکننده است؛ بنابراین جنگ بر سر حجاب ادامه خواهد یافت. اما ادامه جنگ در شرایطی صورت می‌گیرد که همه فاکتورها به نفع زنان و جامعه و علیه حکومت تغییر کرده است. حکومت مجبور به عقب‌نشینی‌های زیادی شده است.

لحن همه مقامات از خامنه‌ای تا رئیس قوه قضائیه و سایر مقامات و آیت‌الله کاملاً دفاعی شده است، گشت ارشادشان که اصلی‌ترین ابزار مقابله با حجاب بود از صحنه خارج شده است. ضربه سیاسی و ایدئولوژیک مهمی به حکومت وارد آمده و بحران سیاسی‌اش تشدید شده است. شکاف‌های درونی‌اش عمیق‌تر و کاری‌تر شده و با شیب بیشتری دچار ریزش شده است. اعتماد به نفس از مأموران سرکوب تا ارگان‌ها و مقامات حکومت پایین آمده است و برعکس مردم صفوف خود را منسجم‌تر کرده‌اند و توجه جهانیان را به خود جلب کرده‌اند. نتیجتاً مبارزه علیه حجاب و سبک زندگی اسلامی و فرهنگ عقب‌مانده اسلامی در شرایط بهتری ادامه خواهد یافت و سنگرهای تازه‌ای هم در عرصه میدانی هم قانونی فتح خواهد شد. به‌عنوان یک قاعده نیز حکومت‌ها در یک دوره انقلابی که مردم هر روز جلوتر می‌ایند، قادر به تصمیمات باثبات سیاسی و به‌ویژه قانون‌گذاری پایدار نیستند. در مورد مشخص جمهوری اسلامی این معضل مزمن‌تر و اساسی‌تر است و این برمی‌گردد به ناهمخوانی تاریخی جمهوری اسلامی با جامعه شهری و مدرن ایران که امروز این معضل با مبارزات گسترده مردم ابعادی بسیار عمیق‌تر یافته است. پس از سرکوب‌های دهه شصت و سپس پایان جنگ با عراق،



#حجاب بی‌حجاب

رهبر انقلاب زن، زندگی، آزادی کیست؟



کازم نیک‌خواه

به سالروز شروع انقلاب ژینا، انقلاب زن، زندگی، آزادی نزدیک می‌شویم. جنب‌وجوش گسترده‌ای به این مناسبت در سراسر جامعه در جریان است. بحث و سؤال و نظرات هم بسیار است. یکی از سؤالاتی که بسیار مطرح می‌شود این است که بالاخره مسئله رهبری انقلاب چه می‌شود؟ می‌گویند انقلاب رهبر ندارد و سؤالی که مطرح می‌شود این است که خلأ رهبری را چگونه می‌شود پر کرد؟ و آیا اگر این خلأ پر نشود انقلاب می‌تواند جلو برود و پیروز شود؟ اینجا می‌خواهم در این رابطه نظر را بگویم.

اول بگویم که من در خود صورت مسئله چندان خود را سهیم نمی‌دانم. یعنی خلأ رهبری به آن شکلی که مطرح می‌شود را قبول ندارم و درست نمی‌دانم. به نظر من این یک انقلاب عمیق و انسانی است که دارد سیستم کهنه را شخم می‌زند و می‌خواهد مناسباتی انسانی و آزاد را جایگزین آن کند. من از کسانی نیستم که فکر می‌کنند انقلاب رهبر ندارد و صندلی رهبری خالی است و تلاش می‌کنند به شیوه‌های مختلف آن را پر کنند. این انقلاب یک انقلاب ویژه است و رهبری ویژه خود را دارد. برای روشن شدن مسئله از خود بپرسم که رهبران انقلابات معمولاً چه ویژگی‌هایی دارند و چه نقشی ایفا می‌کنند؟ و جواب این است که به طور معمول رهبران در میان توده‌های انقلابی نفوذ و محبوبیت دارند، جهت‌گیری و شعارها را تعیین می‌کنند، فراخوان به تجمع و اعتصاب و تظاهرات می‌دهند، علیه حاکمین بیانیه و کیفی‌خواست صادر می‌کنند، در مقاطعی مستقیماً در صف تظاهرات ظاهر می‌شوند و سخنرانی می‌کنند و امثال اینها.

وقتی به این‌ها فکر کنیم متوجه می‌شویم که از این نظرها انقلاب ژینا بدون رهبر نیست.

برعکس رهبران متعددی در میان جوانان، کارگران، معلمان و زنان و بان‌نشستگان دارد که همه این اقدامات را انجام داده و می‌دهند. این یک رهبری غیبی نیست. برای مردمی که در کف خیابان دارند مبارزه می‌کنند این رهبران شناخته شده‌اند.

از یک زاویه ماکرو و استراتژیک‌تر وقتی به انقلاب دقت کنیم متوجه می‌شویم که آشکارا این انقلاب علیه تبعیضات اجتماعی، علیه مفت‌خوران نجومی، علیه حجاب و یکه‌تازی مذهب، علیه استثمار و ستم بر کارگران و کل مردم زحمت‌کش، علیه دیکتاتوری و زندان و اعدام، و علیه تبعیض علیه زنان و علیه تمام تبعیضات اجتماعی و ملی و مذهبی و قومی است. کارگر دوستی، انسان دوستی، دفاع از حقوق کودکان، مدرنیسم، سکولاریسم، برابری‌طلبی، آزادی‌خواهی در سر‌تپای این انقلاب می‌جوشد. هیچ‌کدام از این‌ها از جنبش خودبه‌خودی بیرون نمی‌آیند. همه اینها گویای دست بالا داشتن یک خط و جهت‌گیری آگاهانه و رادیکال و انسانی است. قطعاً هیچ‌کدام از جریان‌ها و چهره‌های راست چه مذهبی و چه سلطنت‌طلب و ناسیونالیست و قوم‌پرست و محافظه‌کار و امثال اینها حتی اگر به دنبال انقلاب و جهت‌گیری‌هایش

کشیده شوند، اما با این جهت‌گیری‌ها تداعی نمی‌شوند و این گرایش را در تبلیغات و فعالیت‌های سیاسی‌شان قبل از انقلاب و بعد از آن دنبال نکرده و نمی‌کنند. برعکس از این جهت‌گیری‌ها به شدت نگران و وحشت‌زده‌اند. این انقلاب مستقل از اینکه دست‌اندرکارانش خود را چگونه معرفی و بیان می‌کنند، با یک فرس و گرایش آزادی‌خواهانه و انسان‌دوستی و کارگر دوستی که ویژگی‌های چپ‌کارگری است، دارد به جلو رانده می‌شود. انقلاب می‌خواهد کل سیستم ضدانسانی حاکم را کنار بزند و مناسبات سیاسی و اجتماعی مدرن و تازه و انسانی‌ای را پایه‌گذاری کند. این آن جنبه‌ای است که از نظر ما به عنوان حزب کمونیست کارگری که سال‌ها در این جهت تلاش و مبارزه کرده و می‌کنیم، بسیار شگفت‌انگیز و امیدبخش و تعیین‌کننده است.

بودند افراد و جریان‌هایی که با تصور اینکه صندلی رهبری خالی است، به طور باسماه‌ای تلاش و تقلا کردند با ژست رهبر انقلاب ظاهر شدند و یا خود را در جایگاه رهبری این انقلاب قرار دهند. اما در همان قدم اول خراب کردند و افشار شدند و معلوم شد که جامعه آنها را نمی‌پذیرد و روشن شد که کالیبر و ظرفیت و توان و سیاستش را مطلقاً ندارند. اینکه امروز کنکاش کنیم که به طور مشخص کدام نیرو یا حزب و یا چهره مشخص در رأس این انقلاب قرار دارد به نظرم در این وهله نه مهم است و نه تمرکز روی آن مفید است. مهم این است که انقلاب دارد خط درستی را دنبال می‌کند. رهبران خیابان جهت‌پیشرو و مدرن و سکولاری را دنبال می‌کنند.

احزاب و چهره‌های سیاسی به درجه‌ای که با جهت‌گیری‌های اساسی انقلاب تداعی می‌شوند و آن را به پیش می‌برند و نبضشان با این جهت‌گیری‌ها زده و می‌زند، به تدریج جلو می‌آیند و برای توده‌های وسیع‌تری شناخته می‌شوند و محبوبیت و نفوذ بیشتری پیدا می‌کنند. به موازات این در روند آتی انقلاب نیز نقش برجسته‌تر و تعیین‌کننده‌تری ایفا می‌کنند و رهبری انقلاب تعیین بیشتری می‌یابد.

به عبارت دیگر انقلاب به کسی چک سفید نمی‌دهد که از قبل او را رهبر انقلاب بنامد. به تدریج و در توازن قوای معینی رهبران و تشکل‌هایی که با مضمون انسانی انقلاب چفت و عجن هستند و بدون هیچ تردید و تأملی اهداف انسانی انقلاب را نمایندگی کرده و می‌کنند جلوتر می‌آیند و بر همگان روشن می‌شود که کدام حزب معین و یا کدام شخصیت یا شخصیت‌های سیاسی نقش رهبری و جهت‌دهی را تا اینجا انجام داده‌اند، بر جهت‌گیری انقلاب نقش و تأثیر تعیین‌کننده داشته‌اند و این کالیبر و توان و اراده را دارند که چنین انقلاب عمیق و انسانی‌ای را برای برداشتن گام‌های نهایی‌اش هدایت و رهبری کنند.

بنابراین، از نظر من انقلاب به این معنا رهبری دارد. اما رهبری ویژه خود را دارد. رهبری ویژه این فاز انقلاب و این دوره و زمانه را دارد. نه رهبری سنتی و فردی و این شاید بشود گفت که یکی از نقطه قوت‌های انقلاب زن زندگی آزادی است و نه نقطه ضعف آن. *



طرح‌های جدید "امنیت اینترنت و مسدودسازی پلتفرم‌ها" توسط حکومت



محمد شکوهی

محسن زنگنه سخنگوی کمیسیون تلفیق لایحه برنامه هفتم توسعه گفته است: "فرماندهی امنیت اینترنت و مسدودسازی پلتفرم‌ها" به مرکز ملی فضای مجازی واگذار می‌شود. باتوجه به اینکه حوزه فضای مجازی از یک نابسامانی و عدم متولی خاص رنج می‌بردند، قرار شد کمیسیون با تصویب "سند سیاست‌ها و الزامات تنظیم گری سکوه‌های فضای مجازی و اقتصاد دیجیتال" ظرف سه ماه تهیه و در شورای ملی فضای مجازی به تصویب برسد. وی در ادامه گفته: "هرگونه مسدودسازی و پالایش این سکوها تنها برعهده مرکز ملی فضای مجازی است تا دیگر شاهد نباشیم که دستگاه‌های مختلف بخواهند تصمیماتی خلاف این سند بگیرند. باید نظام پیشگیری و مقابله با حوادث فضای مجازی توسط مرکز ملی فضای مجازی تهیه شود."

این تازه‌ترین خبر از سیاست‌های جدید حکومت در جهت اعمال فیلترینگ و سانسور اینترنت است که قرار است "امنیت حکومت" را در فضای مجازی تأمین نماید. مروری کوتاه بر تلاش‌های حکومت در این زمینه:

همه‌گیر شدن استفاده از اینترنت در یک دهه اخیر، استفاده از پیام‌رسان‌ها برای ردوبدل کردن اطلاعات و وصل شدن مردم ایران به پلتفرم‌های اطلاع‌رسانی شبکه‌های مجازی، عرصه‌های جدیدی برای مردم در مخالفت با حکومت و اطلاع‌رسانی‌شان باز کرده است. در طول یک دهه گذشته بر اساس اخبار و گزارشات حکومتی علاوه بر تلفن خانگی و اینترنت، استفاده از تلفن‌های همراه با اینترنت، علی‌رغم تلاش‌های حکومت برای سانسور و فیلترینگ گسترش یافت و تعداد کاربران فضای مجازی از مرز ۶۰ میلیون نفر گذشت.

با گسترش اینترنت و استفاده از شبکه‌های اجتماعی در یک دهه گذشته، حکومت رسماً اعلام کرد که فضای مجازی تهدیدی بر نظام بوده و باید "مدیریت" شود. از اوایل دهه ۹۰ آغاز اعمال برنامه‌های گسترده فیلترینگ و سانسور فضای مجازی در دستور حکومت قرار گرفت. حضور گسترده مردم در شبکه‌های اجتماعی و اعلام نظر و بحث، فرهنگ مبارزاتی جدیدی را به وجود آورد. شبکه اجتماعی تبدیل به یک میدان جنگ تمام‌عیار مردم با کل نظام شد و این یک خطر برای حکومت بود و به همین خاطر رژیم به صرافت سازماندهی و اعمال فیلترینگ و سانسور هر چه بیشتر برآمد. خامنه‌ای در اوایل دهه ۹۰ رسماً اعلام کرد "فضای مجازی شبکه تهاجمی دشمن به باورها و ارزش‌های جمهوری اسلامی" است و باید به مقابله با آن برخاست.

اوایل دهه نود به دستور خامنه‌ای "مرکز ملی فضای مجازی" راه‌اندازی شد. وظیفه اصلی این مرکز "نظارت بر فعالیت در فضای مجازی" (بخوان شناسایی فعالین شبکه‌های اجتماعی، اعمال فیلترینگ و ایجاد محدودیت و سرکوب) است. برای پیشبرد این سیاست حکومت با همکاری شرکت‌های چینی، کره شمالی و روسی در صدد راه‌اندازی "اینترنت ملی" که وظیفه‌اش قطع کردن تماس اینترنت و فعالین در شبکه‌های مجازی با پلتفرم‌های خارجی بود، برآمد. سیاستی که تلاش می‌کند با شناسایی و ردیابی کاربران

شبکه‌های اجتماعی، اعمال سانسور، استفاده اطلاعاتی و امنیتی از آن، کل فضای مجازی را تحت کنترل و سانسور خودش درآورد.

واکنش مردم و کاربران شبکه‌های اجتماعی به این سیاست حکومت، مخالفت و مقابله تمام‌عیار با این سیاست حکومت، تبدیل به یک عرصه مبارزاتی مردم علیه رژیم شد. پلتفرم‌ها و پیام‌رسان‌هایی نظیر تلگرام، اینستاگرام و اخیراً سینگال و بخشا فیس‌بوک و یوتیوب و... علی‌رغم کند کردن خط اینترنت توسط حکومت، وسیعاً مورد استفاده مردم قرار گرفت.

با گسترش استفاده مردم از شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه بعد از اعتراضات دی‌ماه ۹۶ و استفاده وسیع مردم از این شبکه‌ها برای اطلاع‌رسانی و سازماندهی اعتراضات، حکومت "طرح صیانت از کاربران فضای مجازی" را تصویب و در صدد اجراکردنش برآمد. بر اساس این طرح شیوه‌های پیشرفته سانسور شبکه‌های اجتماعی با استفاده از تکنولوژی چینی و روسی سانسور و کنترل اینترنت در دستور رژیم قرار گرفت. در همین رابطه وزارت ارتباطات و بخش‌هایی از ارتش سایبری سپاه در کنار وزارت اطلاعات، تبدیل به عوامل اصلی اعمال سانسور و ایجاد محدودیت در استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی شدند. در کنار این نهادهای سانسورچی رژیم، شرکت‌های مخابراتی و شبکه‌های تلفن همراه، به‌ویژه شبکه "ایرانسل" و شرکت‌های زیر مجموعه شرکت مخابرات ایران و ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی شرکا و همراهان اعمال سانسور حکومت در این طرح قرار گرفتند.

با گسترش سیاست‌های سانسور شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، مردم و کاربران این شبکه‌ها راه استفاده وسیع از فیلترشکن و راه‌های دورزدن سانسور حکومت را در پیش گرفتند. یکی از مقاطع مهم این دوره جنگ مردم با حکومت در استفاده از شبکه‌های اجتماعی، اعتراضات آبان ۹۸ بود که علی‌رغم قطعی و ایجاد اختلال در اینترنت توسط حکومت، فعالین و سازمان‌دهندگان اعتراضات موفق شدند این سیاست‌ها را دور زده و از مبارزات مردم به خارج ایران اطلاع‌رسانی کرده و بخشا مبارزات داخل را نیز با استفاده از این پیام‌رسان‌ها، سازماندهی و هدایت بکنند. در این دوره واقعی یک جنگ تمام‌عیار مردم با حکومت در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی که قبلاً آغاز شده بود، تشدید شد و مردم کاربران موفق شدند سیاست‌های سانسور و فیلترینگ حکومت را دور زده و رسماً شکست بدهند.

استفاده وسیع از فیلترشکن، پیدا کردن راه‌های دورزدن سانسور و فیلترینگ حکومتی، تا حدی گسترده و همه‌گیر شد که وزارت ارتباطات و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی و سانسورچی حکومت رسماً مجبور شدند اعتراف بکنند که سیاست‌های اعمال سانسور و فیلترینگشان شکست‌خورده و شبکه‌های اجتماعی در ایران ده‌ها میلیون کاربر دارند. یک مقطع بسیار مهم دیگر مردم در رویارویی و در واقع جنگشان با حکومت، مقطع آغاز انقلاب زن زندگی آزادی است که در نوع خود در استفاده مردم از مدیای اجتماعی برای سازماندهی اعتراضات و ارسال گزارشات به خارج ایران بی‌نظیر بود.

با آغاز انقلاب زن زندگی آزادی تلاش‌ها و تقلاهای حکومتی برای اعمال هر چه

جنبش بی‌حجابی در آستانه سالروز انقلاب
از صفحه ۲

طرح‌های جدید "امنیت اینترنت و مسدودسازی پلتفرم‌ها" توسط حکومت
از صفحه ۴

بیشتر فیلترینگ و سانسور در دستور حکومت قرار گرفت. حکومت عملاً در شهرهای بزرگ خط تلفن خانگی را مختل و در موارد زیادی برای جلوگیری از پخش اخبار و گزارشات مبارزات مردم، تلفن‌ها را قطع کرد. در همین دوره شبکه‌های تلفن همراه کاربرد بیشتری برای مردم پیدا کردند. اکثر ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی این شرکت‌ها، از آنجایی که به پلتفرم‌ها و شرکت‌های خارجی وصل بودند تا حدودی آزادی دسترسی به اینترنت را داشتند که در ماه‌های اخیر زیر ضرب سانسور حکومت قرار گرفته‌اند. حکومت تمام تلاشش را به کار گرفته شبکه‌های تلفن همراه را مختل کرده، خط اینترنتشان را ضعیف نموده و نهایتاً از کار بیندازد.

در ماه‌های اخیر به دستور خامنه‌ای، حکومت رسماً با فعالیت‌های کاربران و مردم در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها اعلام جنگ کرده است. خامنه‌ای با تأکید روی خطر شبکه‌های اجتماعی برای حکومت، از واژه "جنگ ترکیبی دشمن" بر علیه نظام استفاده کرد و از نهادها و ارگان‌های مسئول پیشبرد سیاست‌های اعمال فیلترینگ و سانسور خواست تا تمام امکانات حکومت را برای مقابله با این تهدید به کار گیرند. بحث واگذاری "امنیت اینترنت و مسدودسازی پلتفرم‌ها" به مرکز ملی فضای مجازی، آن طرحی است که گویا قرار است خطر و تهدید اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را، با گردآوردن و یکدست کردن مجموعه امکانات و نهادهای مختلف سانسورچی حکومت را گرد هم آورده و این خطر را از سر حکومت برطرف نماید!

اینکه آیا حکومت موفق خواهد شد طرح جدید گسترش سانسور و فیلترینگ اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را به پیش برد و خطر "تهدید شبکه‌های اجتماعی" را از سر رژیم برطرف نماید، به‌طور جدی زیر سؤال است. اینجا یک جنگ تمام‌عیار مردم با کل ارزش‌های دینی و مذهبی و در یک کلام کل نظام در جریان است که تا همین‌جا پیروز این میدان جنگ حکومت نبوده است. "مرکز ملی فضای مجازی" که قرار است سیاست‌های سانسور، فیلترینگ و سرکوب فضای مجازی را به پیش برد، هم موفق نخواهد شد ارتباط و استفاده مردم از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را تماماً مسدود نماید. مردم همیشه راهی برای آن پیدا کرده و کل این سیاست‌های سرکوبگرانه را دور خواهند زد. فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی سال‌هاست که تبدیل به میدان جنگ مردم با حکومت شده است و این جنگ ادامه دارد.*

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!



معضلات اقتصادی و سیاسی یکی پس از دیگری سر برآوردند و جمهوری اسلامی با سیاست از این ستون به آن ستون خودش را تکه داشته است. از جمله در زمینه اقتصادی هیچگاه قادر نشد یک برنامه پنج‌ساله در مقابل خود بگذارد. این بلاتکلیفی و سردرگمی اکنون بیش از هر چیز در زمینه حجاب خود را نشان می‌دهد و در نتیجه همه اینها این لایحه کنایی، حتی اگر با هر تغییری به تصویب برسد، همانطور که یکی از مقامات حکومت گفته بود به‌سرعت بایگانی خواهد شد.

احضارها و بگیر و ببندهای ماه‌های اخیر، استخدام "حجاب‌بان" و عرو تیزهای حکومتیان، تنها حربه حکومت برای مرعوب کردن زنان و کل جامعه به‌ویژه در آستانه سالگرد انقلاب است. اما هرچند سرکوب اساس کار حکومت در تمام ۴۴ سال گذشته بوده است، امروز ابتکار عمل و تعرض با مردم است و اقدامات حکومت بیش‌ازپیش جنبه دفاعی به خود گرفته است. مردم ضعف و زبونی و استیصال حکومت را به‌دقت در صحبت تک‌تک مقامات، در تصمیمات متناقضشان، در ناتوانی‌هایشان برای حل ساده‌ترین نیازهای جامعه مانند آب و برق و نان، در تبلیغات توخالی‌شان، در وضعیت به‌هم‌ریخته بالایی‌ها، در ناتوانی و ناآمادگی ارگان‌های سرکوبشان که قرار است سیاست‌های حکومت را اجرایی کنند، در افشاگری‌هایشان از همدیگر و به‌ویژه در صفوف خود اصول‌گرایان و اظهار نارضایتی روبه‌برد آنها از رئیسی که قرار است حکومتشان را یکدست کند، می‌بینند و برای پیشروی خود روی آن حساب می‌کنند. موج بی‌حجابی در تهران و سراسر کشور علی‌رغم همه فشارها و ایجاد محرومیت‌ها و حالت تعرضی زنان و مردم همراه آنها به اوباش سرکوب گواه آشکار این پیشروی است.

جنبش بی‌حجابی تا سرنگونی حکومت با شدت بیشتری ادامه خواهد یافت و نه‌تنها حجاب اجباری بلکه ۴۴ سال تحقیر و ستم و فقر و محرومیت با سرنگونی حکومت پایان خواهد یافت. طرح‌های مختلف حجاب و عفاف نیز به زیاله‌دان خواهند رفت.*

این جهل و اسلام زدگی مردم نبود که اسلام و خمینی را در کشوری مثل ایران جلو آورد؛ بلکه دولت‌های سرمایه‌داری از فضای اسلامی در حدی که در ایران از زمان شاه وجود داشت و آماده شده بود، استفاده کردند و با استفاده از بلندگوهای تبلیغاتی ای مثل بی‌بی‌سی و غیره که در اختیار داشتند و با تربیون دادن به دارودسته‌های اسلامی آنها را به میان مردم بردند و بعد با کفرانس گوادلوپ خمینی را به قدرت کشیدند. هدفشان هم این بود که مانع پیشروی مردم و قدرت‌گیری چپ و کارگر در جریان انقلاب ۵۷ شوند...

(از مقاله کمونیسم و مذهب)

اطلاعیهای هفته اخیر

۱۶ مرداد: تجمعات بازنشستگان مخابرات

در چندین شهر و دو خبر دیگر

"شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد"

امروز شانزدهم مردادماه بازنشستگان مخابرات به روال هر دوشنبه علیه فقر و گرانی و برای پیگیری مطالباتشان در چندین شهر در مقابل ساختمان اداره مخابرات تجمع کردند. بنا به گزارشات تاکنونی این تجمعات در شهرهای کرمانشاه، رشت، اصفهان، اهواز، مشهد، شهرکرد و ایلام برگزار شده است.

در کرمانشاه بازنشستگان راهپیمایی کرده و شعار می دادند: "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم".

در ایلام بازنشستگان با خشم و اعتراض فریاد می زدند: "وزیر بی کفایت استعفا، استعفا"، "ما می گیم حقوق کمه، قیمت نان گران میشه!"، "دولت سرسپرده، گرانی را آورده!"، "آقازاده آمریکاس، فرزند ما آس و پاس!".

در اصفهان جمعی از زنان و مردان بازنشسته تجمع کرده و همراه با کفزدن شعار می دادند: "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "نه مجلس، نه دولت، نیستند به فکر ملت".

در اهواز بازنشستگان مخابرات تجمع و راهپیمایی داشتند و شعار می دادند: "بازنشسته بیا خیز، برای رفع تبعیض"، "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد"، "نه سازش، نه تسلیم، اجرای آیین نامه".

اعتراض بازنشستگان مخابرات به سطح نازل حقوقها، اجرایی نشدن آیین نامه استخدای و رفاهی سال ۸۹ و بالا کشیده شدن حق و حقوقشان توسط سهامداران عمده مخابرات و نهاد حکومتی موسوم به ستاد اجرایی فرمان امام و دزدیها و اختلاسهاست.

اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای خط فقر سی میلیونی، درمان رایگان و پایان دادن به اختلاسها و دزدیها و سرکوبگریهای حکومت از خواستها و تأکیدات مشترک همه بازنشستگان است. حزب کمونیست کارگری بر تجمعات مشترک و متحدانه بخشهای مختلف بازنشستگان و حمایت وسیع مردمی از اعتراضات آنان تأکید دارد.

در این روز همچنین کارگران نساجی بروجرد در اعتراض به اخراج ۲۵ همکار خود و خطر بیکاری صدها تن دیگر از کارگران دست به اعتصاب زده و در محوطه شرکت تجمع کردند. کارگران اخراجی کارخانه نساجی بروجرد دارای سوابق کاری ۱۸ تا ۲۵ سال هستند؛ ولی اخیراً اخراج شده و اجازه ورود به محل کار خود را ندارند. به گفته کارگران فعالیت تولیدی شرکت با بحران روبرو شده و شغل و معیشت آنها به خطر افتاده است. کارگران خواستار بازگشت به کار همکاران اخراجی و امنیت شغلی خود هستند.

تجمعات دیگر مردمی در این روز در تبریز، مغان و شهرستان گرمی بی آبی بود که جمعیت بزرگی از مردم جمع شدند و صدای اعتراض خود را بلند کردند. در تبریز جمعیت قابل توجهی از مردم در باغمیشه تجمع داشتند و شعار می دادند: "ما برای نوشیدن آب می خواهیم". بنا بر خبرها نه تنها روستاهای بخشهای مختلف گرمی بلکه خود شهر گرمی نیز سالیان

تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی، فولاد تهران و کارگران کارخانه قند خاورمیانه

امروز یکشنبه ۱۵ مرداد بازنشستگان تأمین اجتماعی در ادامه اعتراضات گسترده خود و به روال دیگر روزهای یکشنبه در اعتراض به فقر و گرانی و برای پیگیری مطالباتشان در چندین شهر تجمع کردند. این تجمعات در شهرهای شوش، اهواز، دزفول، و شوشتر برگزار شدند. بازنشستگان در گرمای سوزان تابستان که به ۴۷ تا ۵۰ درجه می رسد، در مقابل سازمان تأمین اجتماعی و در دزفول مقابل فرمانداری تجمع کردند و علیه دزدیها و اجحافات شعار دادند و اعتراض کردند.

در اهواز و شوش بازنشستگان تأمین اجتماعی بعد از تجمع دست به راهپیمایی زده و در سطح شهر مردم با آنها ابراز همبستگی می کردند. در شوش بازنشستگان از کرخه، شوش و هفته تپه تجمع کردند و با راهپیمایی و با فریاد "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون" بر اتحاد مبارزاتی همه بخشهای مبارزاتی تأکید کرده و شعار می دادند: "لشکری کشوری تأمین اجتماعی، اتحاد اتحاد". دیگر شعارهای این کارگران عبارت بودند از: "گرانی ساعتی، کمر ما رو شکسته"، "ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه"، "نه مجلس نه دولت، نیستند به فکر ملت"، "مجلس سرسپرده، گرونی رو آورده"، "رئیسای دروغگو حاصل وعدهات کو"، "حسین حسین شاعرشون، دروغ و دزدی کارشون".

بازنشستگان فولاد در تهران نیز این هفته همزمان با تجمعات اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی مقابل صندوق بازنشستگی فولاد تجمع کرده و پیگیر مطالباتشان شدند.

علاوه بر اعتراض به فقر و گرانی، مصوبه مزدی چند بار زیر خط فقر شورای عالی کار که تأثیر مستقیمی بر حقوق بازنشستگان دارد، برنامه توسعه هفتم حکومت که تعرضی به کارگران و به ویژه بازنشستگان است و ورشکستگی صندوقهای بازنشستگی به خاطر چپاولگریهای حکومتیان موضوعات مشترک اعتراضات بخشهای مختلف بازنشستگان است. امروز یک تأکید بازنشستگان بر تجمعات اعتراضی مشترک علیه تعرضات حکومتی به معیشت و زندگی شان است.

اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۳۰ میلیونی، درمان رایگان، پایان دادن به اختلاسها و دزدها و سرکوبگریها از جمله خواستهای فوری بازنشستگان است که خود را در بنرهای اعتراضی و شعارهای آنها بازتاب می دهد.

خبر دیگر اینکه روز گذشته ۱۴ مرداد کارگران کارخانه قند "خاورمیانه" در اعتراض به سطح نازل حقوقها و اجرانشدن طرح طبقه بندی مشاغل که می تواند چندرغازی به مزدشان اضافه کند، دست به اعتصاب زده و تجمع کردند. این مجتمع کارگری شامل بزرگترین کارخانه تولید شکر از چغندر قند در کشور در حدفاصل شهرهای شوش - دزفول در استان خوزستان واقع شده است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ مرداد ۱۴۰۲، ۶ اوت ۲۰۲۳

شعارهای اعتراضی آنها علیه فقر و تبعیض و نابرابری و اختلاس‌ها در شهرهای مختلف در فضای سیاسی متلاطم جامعه یک رویداد مهم است. حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را از مبارزات بازنشستگان اعلام کرده و بر اتحاد مبارزاتی بخش‌های مختلف بازنشستگان و حمایت وسیع مردم از آنها تأکید دارد. گفتنی است که بنا بر اخبار تکمیلی تجمع بازنشستگان مخابرات در روز گذشته در چهارده شهر کرمانشاه، رشت، اصفهان، اهواز، مشهد، شهرکرد، هرمزگان، سنج، تبریز، ارومیه، کرج، شیراز، زنجان و ایلام برگزار شدند.

امروز همچنین کارکنان مخابرات روستایی آذربایجان غربی نیز در اعتراض به وضع بد معیشتی و تأخیر در پرداخت حقوق‌ها دست به تجمع زدند. تجمع اعتراضی دیگر امروز از سوی پرستاران و کارکنان درمانگاه "گلستان" اهواز در برابر ساختمان اداری آن بود که در اعتراض به سطح نازل حقوق‌ها و عدم پرداخت تعرفه کامل و تبعیض‌ها برگزار شد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ مرداد ۱۴۰۲، ۸ اوت ۲۰۲۳

در مورد آتش‌سوزی جنگل‌های مریوان و دیگر مناطق کردستان

در سه هفته گذشته آتش‌سوزی‌های گسترده و خطرناکی در مناطق مختلف مریوان، آوین، سالیان و رشنش راه افتاده و نزدیک به دو هزار هکتار از جنگل‌ها طعمه حریق‌های مشکوکی شده‌اند که انگشت اتهام را متوجه حکومت کرده است. در این آتش‌سوزی‌ها بخش زیادی از جنگل‌هایی که به حاشیه مناطق مسکونی شهر و روستاها نزدیک بوده‌اند، تماماً سوخته‌اند.

مردم مریوان بارها شاهد مانورها و تردهای سنگین نیروهای سپاه و ارتش در مرزها و در مسیر جنگل‌ها و حضور مافیای اقتصادی تخریب جنگل‌ها و فروش درختان بلوط به شرکت‌های مبل‌سازی در داخل و خارج ایران بوده‌اند. لازم به توضیح است که نزدیک به ۱۲۰ مورد آتش‌سوزی در جنگل‌های مریوان در سال جاری اتفاق افتاده است. دستگیری مافیای چوب در روستای "تموته سقز"، "مناطق سرشیو مریوان به‌ویژه گماره لنگ"، "کشف ۳۶ کامیون قاچاق چوب در مریوان" نمونه‌هایی از فعالیت این مافیای اقتصادی است.

جمهوری اسلامی به‌جز پخش اخبار متناقض و توصیه توسل به دعا، اقدامی برای مهار آتش‌سوزی‌ها در سه هفته گذشته انجام نداد. شاهدان عینی و مردمی که برای خاموش کردن آتش‌ها بسیج شده بودند می‌گویند کمک‌های حکومت در پایین‌ترین سطح بود. یکی از مقامات حکومت اسلامی بجای بسیج امکانات مهار حریق و بالگرد به مردم توصیه کرده بود دست به دعا شوند و از خداوند بخواهند حریق را مهار کند.

مردم و نهادهای اجتماعی اما سنگ تمام گذاشتند و با سازماندهی خود و با حضور پرشور، صمیمانه و دلسوزانه زنان و جوانان و فعالین زیست‌محیطی، با کمترین امکانات بخش زیادی از آتش‌سوزی جنگل‌ها را مهار کردند. مردم از تجارب ارزشمند فعالیت سازمان‌یافته و اجتماعی خود در دهه‌های گذشته بهره گرفته و نقش مهمی در دفاع از جنگل‌ها و محیط‌زیست ایفا کردند.

حکومت اسلامی نه‌تنها در عرضه کمک‌رسانی کاری انجام نداد؛ بلکه در وحشت از همیاری و کمک‌رسانی‌های مردمی و برای مقابله با کمک‌های متحدانه و فعالیت‌های سازمان‌دهی‌شده مردم مطابق سیاست همیشگی‌اش، پنج نفر از فعالان مستقل حفاظت از محیط‌زیست را به اسامی آزاد روحی، لایق محمدی، دلیر محمدی، سرکوت عبادی و آلان اردشیری را بازداشت کرده و تلاش می‌کند مانع فضای متحدانه و

سال است که با مشکل کمبود شدید آب مواجه است. سیاست‌های مخرب زیست‌محیطی حکومت در جهت سودجویی‌های کلان سرمایه‌داران و درعین حال نامناسب بودن راه‌ها و کانال‌های آبی و عدم هزینه کردن از سوی دولت برای بازسازی آنها یک معضل سراسری در سراسر کشور و معضل بی‌آبی است. مردم می‌گویند ما آب برای نوشیدن نداریم و درعین حال کشت و دام در خطر است. خبرها حاکی از پیشروی طوفان نمک و صدمات آن به ارومیه و تبریز است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ مرداد ۱۴۰۲، ۷ اوت ۲۰۲۳

۱۷ مرداد: تجمعات بازنشستگان کشوری

در چندین شهر و دو خبر دیگر

ما می‌گیم حقوق کمه، قیمت نون بالا میره!

امروز ۱۷ مرداد بازنشستگان کشوری از جمله معلمان بازنشسته در ادامه سه‌شنبه‌های اعتراض خود و برای پیگیری مطالباتشان در مقابل ساختمان صندوق‌های بازنشستگی در شهرهای مختلف تجمع کردند. اعتراض آنها به فقر و گرانی، اختلاس‌ها و دزدی‌ها، به تبعیض‌ها و نابرابری‌ها و همچنین به دستگیری‌ها و بازداشت‌ها و احضار معلمان معترض است. گزارشات تا کنونی از تجمعات در شهرهای ایلام، کرج، سنج، کرمانشاه، اردبیل، همدان، یزد، رشت، و تهران خبر می‌دهند.

در ایلام بازنشستگان کشوری، لشکری و تأمین اجتماعی با هم تجمع داشتند و اتحاد بخش‌های مختلف بازنشستگان بر سر خواست‌ها و مطالباتشان را به نمایش گذاشتند. یک گفتمان مهم در میان بازنشستگان تجمعات مشترک بخش‌های مختلف کشوری، لشکری، مخابرات و تأمین اجتماعی با هم است. در کرج بازنشستگان شعار می‌دادند: "دشمن ما همین جاست دروغ می‌گن آمریکا است"، یا "یه اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه". در سنج شمار زیادی از بازنشستگان تجمع داشتند و با شعار "مرگ بر دروغگو"، رئیسی و وعده‌های بی‌پایه او برای مهار تورم را نشانه رفتند. در این تجمع حضور زنان چشمگیر بود. در کرمانشاه با شعار "ما می‌گیم حقوق کمه، قیمت نان گران میشه" اعتراض خود را به گرانی و تورم افسارگسیخته اعلام کرده و یک‌صدا فریاد زدند.

از دیگر شعارهای بازنشستگان: "نوبت ما که میشه، خزانه خالی میشه"، "دولت خیانت می‌کند، مجلس حمایت می‌کند!"، "معلم زندانی، آزاد باید گردد!"، "بازنشسته به پا خیز برای رفع تبعیض"، "تا حق خود نگیریم، آرام نمی‌نشینیم"، "این همه بی‌عدالتی، هرگز ندیده‌ام ملتی"، "تورم گرانی، ننگ بر این زندگی"، "مستول بی‌لیاقت، حیا کن صندلی رو رها کن"، "حقوق ما ریالی، هزینه‌ها دلاری"، "بازنشسته بیدار است، از تبعیض بیزار است"، و "نه مجلس نه دولت، نیستند به فکر ملت".

دزدی‌ها و اختلاس‌ها از صندوق‌های بازنشستگی و خالی شدن صندوق‌ها، مصوبه مزدی شورای عالی کار، سرکوبگری‌های حکومت و امنیتی کردن مبارزات و دستگیری‌ها، برنامه هفتم توسعه که کل جامعه به‌ویژه بازنشستگان را مورد تعرض قرار می‌دهد، سطح نازل حقوق‌ها و افزایش نجومی قیمت‌ها، بی‌تامینی و محرومیت از درمان رایگان، موضوعات مشترک اعتراضی ۲۵ میلیون بازنشسته در سطح سراسری است.

بازنشستگان در اعتراضاتشان بر خواست‌هایی چون اجرای همسان‌سازی و افزایش حقوق‌ها به بالای خط فقر ۳۰ میلیونی، درمان رایگان، تحصیل رایگان و آزادی معلمان زندانی تأکید کرده و بازتاب این مطالبات را در شعارها و بنرها و بیانیه‌های آنها می‌توان دید. اعتراضات گسترده بازنشستگان و

علیه نظام"، "بزه انتسابی" را محرز دانسته و پرونده را جهت رسیدگی و تعیین شعبه به دادستانی ارجاع داد. این کانون ضمن محکوم کردن این پرونده‌سازی‌ها برای فعالین صنفی خواستار برچیدن فضای امنیتی بر فعالیت معلمان شد.

هم اکنون شماری از معلمان معترض با اتهامات و پرونده‌سازی‌های امنیتی به زندان‌های طولانی مدت محکوم شده و در زندان‌اند که اسامی آنها عبارت‌اند از: اسماعیل عبدی، رسول بدایق، جعفر ابراهیمی، هاشم خواستار، اصغر امیرزادگان، ناهید شیرپیشه، مریم جلال حسینی، فاطمه تدریسی، زینب همزنگ، جواد لعل محمدی، فرزانه ناظران پور، محمود ملاکی، محمود صدیقی پور، عزیز قاسم‌زاده، انوش عادل، امید شاه‌محمدی، حسین رمضان‌پور، و مهدی فتحی.

در برابر این احضارها و دستگیری‌ها و ادامه بازداشت‌ها و برای خواست آزادی فوری و بدون قیدوشرط معلمان زندانی از سوی معلمان کارزاری تحت عنوان "کارزار یک‌صد هزار امضا" به جریان افتاده است که تاکنون ۲۲ هزار معلم این کارزار را مورد حمایت قرار داده‌اند و کانون‌های صنفی مختلف با بیانیه‌های مستقل خود از این کارزار اعلام پشتیبانی نموده‌اند. صدور احکام زندان‌های طولانی مدت برای معلمان معترض در استان‌های مختلف، پرونده‌سازی در دادگاه‌ها و هیئت‌های تخلفات اداری و صدور احکام اخراج، بازخریدی، بازنشستگی اجباری، و انفصال برای صدها معلم در سراسر کشور از جمله موضوعات مورد اعتراض این بیانیه است. اسماعیل عبدی معلم زندانی از درون زندان به این کارزار پیوست. کمپین برای آزادی کارگران زندانی تلاش می‌کند که صدای این کارزار و همه معلمان زندانی در سطح جهان باشد. معلمان زندانی، کارگران در بند، بازداشت‌شدگان انقلاب و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندان (FTN)

۱۵ مرداد ۱۴۰۲، ۶ اوت ۲۰۲۳

Shahla.daneshfar2@gmail.com

<https://www.free-them-now.com/>



**CAMPAIGN TO FREE
JAILED WORKERS IN IRAN**

زندانی سیاسی آزادو باید گروو!

سازماندهی این کمک‌رسانی‌ها بشود.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری، بازداشت فعالین و اقدامات مخرب حکومت را شدیداً محکوم می‌کند و از تلاش‌های صمیمانه و فعالیت‌های جمعی فعالین زیست‌محیطی از جمله انجمن سبز چیا، زنان و جوانان مریوان و دیگر مناطق عمیقاً قدردانی می‌کند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ مرداد ۱۴۰۲، ۹ اگوست ۲۰۲۳



فشارهای امنیتی بر معلمان معترض ادامه دارد

پیوستن بیست و دو هزار نفر به کمپین یک‌صد هزار امضا

برای آزادی معلمان زندانی

جمهوری اسلامی از وحشت فرارسیدن سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی و سربلند کردن موج جدید انقلاب، بر فشارهای امنیتی بر روی فعالین کارگری و اجتماعی از جمله معلمان شدت داده است. بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان در این هفته عاتکه رجبی معلم اخراجی در مشهد برای روز چهارده مرداد به شعبه ۹۰۶ "دادگاه انقلاب مشهد" احضار شد. او پیش‌ازین به دلیل حمایت از انقلاب مهسا، طی حکمی از طرف هیئت تخلفات وزارت آموزش و پرورش اخراج شد. عاتکه رجبی قبلاً به مدت پنج‌روز در بازداشت وزارت اطلاعات بود و با وثیقه یک میلیارد و ششصد میلیون تومانی آزاد شده است. در اطلاعیه خبری در این مورد شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، ضمن محکومیت پرونده‌سازی‌ها علیه معلمان معترض خواستار صدور قرار منع تعقیب برای عاتکه رجبی شده است.

بعلاوه پیروز نامی، عضو هیئت‌مدیره و دبیر کانون صنفی فرهنگیان خوزستان نیز با اتهاماتی چون نشر اکاذیب، تبلیغ علیه نظام، شرکت در تجمعات "غیرقانونی"، به شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری ۲ شهرستان اهواز احضار شده است. بنا بر خبر حکم بدوی تبرئه یازده عضو کانون صنفی معلمان خوزستان که در خردادماه سال جاری در شعبه ۳ دادگاه انقلاب اهواز صادر شده بود، با اعمال فشار نهادهای امنیتی و بعد از موعد (۲۰ آروزه) قانونی، مورد اعتراض نماینده دادستان وحید نریمیسایی قرار گرفت و پرونده به دادگاه تجدیدنظر ارسال شد. اسامی این افراد عبارت‌اند از: پیروز نامی، زهره بختیاری، کوکب بدایق پگاه، علی کروشاتی، صادق ناصر، معین زرگانی، اقبال تامرادی، سیامک چهارزی، بهنیا بهمئی‌نژاد، شهیار شیروانی، و عماد رفیعی.

از سوی دیگر بنا بر خبر منتشره از سوی کانون صنفی معلمان استان بوشهر بازپرسی شعبه هفت دادرسی بوشهر در مورد پرونده دستگیری محسن عمرانی در اردیبهشت ۱۴۰۲ رأی نهایی صادر کرد. این دادگاه با قضاوت بازپرس مهدی مقاتلی در مورد اتهام تحریک مردم به جنگ و کشتار و خونریزی... قرار منع تعقیب صادر نمود. اما در مورد اتهام "تبلیغ

برافراشتن پرچم انقلاب زن زندگی آزادی و دفاع از رنگین کمانی‌های ایرانی در فستیوال پراید استکهلم

هفته نخست ماه اوت (در نیمه مردادماه)، شهر استکهلم سوئد بار دیگر میزبان یکی از بزرگ‌ترین فستیوال‌های پراید در سراسر اروپا بود. مطابق هر سال، از ۳۱ ژوئیه تا ۵ اوت که در تقویم این کشور به‌عنوان «هفته پراید» گرامی داشته می‌شود، برنامه‌های متنوعی در این شهر سازماندهی شد که آخرین آن رژه افتخار رنگین کمانی‌ها بود که در مسیری ۴/۵ کیلومتری و با بیش از نیم میلیون بازدیدکننده در مرکز شهر استکهلم برگزار شد. هفته پراید استکهلم بزرگ‌ترین فستیوال کشور سوئد و شمال اروپا است که در عین حال همه ساله عرض اندام قدرتمند نیروهای مترقی و پیشرو جامعه برای حفاظت از حقوق رنگین کمانی‌ها و رفع هرگونه تبعیض علیه آنها است.

در چنین ایونت مهم اجتماعی - سیاسی، سازمان جوانان کمونیست هم در سیزدهمین سال پیاپی، دست‌اندرکار و فراخوان‌دهنده فعالیت‌های متنوعی بود تا نه فقط صدای رنگین کمانی‌ها در ایران و افغانستان را منعکس کند، بلکه پرچم انقلاب زن زندگی آزادی را در فستیوال پراید استکهلم برافراشته کند. از این روی، با توجه به روند انقلاب جاری در ایران، مجموعه فعالیت‌های امسال با محوریت انقلاب زن زندگی آزادی بود که افراد ال‌جی‌بی‌تی کیو هم نقش مهمی در پیشبرد آن داشته‌اند.

در این راستا، در روزهای ۲ الی ۴ اوت (۱۱ الی ۱۳ مرداد)، اعضا و فعالین سازمان جوانان کمونیست تدارک‌دهنده «میز اطلاع‌رسانی انقلاب زن زندگی آزادی» در محل برگزاری فستیوال در پارک پراید استکهلم بودند که روزانه ده‌ها هزار نفر در آن شرکت می‌کردند. در این برنامه سه‌روزه، اقدامات مختلفی به مراجعه‌کنندگان عرضه می‌شد که برخی از آنان عبارت است از:

الف: ارائه کیفرخواست رنگین کمانی‌های ایرانی علیه جمهوری اسلامی به مخاطبین و جلب حمایت از آنها از طریق امضای دیجیتال کیفرخواست.

ب: ارائه بیانیه انقلاب زن زندگی آزادی به مراجعه‌کنندگان، آشناسازی آنان با محتوای پیشرو انقلاب و نیز طرح خواسته‌های مردم ایران از جامعه بین‌الملل (مواردی از جمله بایکوت جمهوری اسلامی و قرارداد سپاه در لیست سازمان‌های تروریستی)

پ: مصاحبه تلویزیونی با شرکت‌کنندگان ایرانی و غیرایرانی فستیوال پراید در خصوص همبستگی با رنگین کمانی‌ها و مردم ایران

سپس در روز شنبه ۵ اوت (۱۴ مرداد)، سازمان جوانان کمونیست فراخوان‌دهنده برنامه‌ای در رژه افتخار استکهلم در حمایت از انقلاب زن زندگی آزادی و رنگین کمانی‌ها در ایران بود. در این برنامه راهپیمایی سه‌ساعته، به جز اعضا و فعالین سازمان جوانان کمونیست و حزب کمونیست کارگری، ایرانیان دیگری نیز از استکهلم یا حتی دیگر شهرها و نیز نهادهای مترقی همچون کمیته بین‌المللی علیه اعدام نیز همراه ما حضور داشتند. صف امسال سازمان جوانان کمونیست در رژه افتخار مملو بود از بزرها، پلاکاردها و پوسترهایی از جان‌باختگان انقلاب زن زندگی آزادی و مطالبات مردم ایران که به صف حال و هوایی تماماً انقلابی بخشیده بود. نکته مهم دیگر اینکه در تمامی طول مسیر راهپیمایی، تک‌تک موزیک‌هایی که پخش شدند از ترانه‌های انقلاب زن زندگی آزادی بود که در ده ماه اخیر پیونددهنده قلب ایرانیان به یکدیگر در سراسر دنیا بوده است. این فضای انقلابی که در صف امسال موج می‌زد، مورد استقبال و توجه بسیاری از بازدیدکنندگان قرار گرفت.

به این ترتیب فستیوال پراید امسال استکهلم برای سازمان جوانان کمونیست با پرچم انقلاب زن زندگی آزادی و به یاد جان‌باختگان انقلاب خاتمه یافت، اما مبارزه ما برای سرنگونی جمهوری اسلامی و به پیروزی رساندن انقلاب زن زیان نازادی همچنان با قدرت ادامه دارد. در پایان سازمان جوانان کمونیست، از تمامی کسانی که در فستیوال پراید امسال همراه ما بودند و تحقق این فعالیت‌ها را امکان‌پذیر نمودند، عمیقاً قدردانی می‌کند.

سازمان جوانان کمونیست

۱۹ مرداد ۱۴۰۲، ۱۰ اوت ۲۰۲۳



گزارشی از آکسیون‌های هفته اخیر



همچنین شنبه، پنجم آگوست، در شهر هلسنیورگ کشور سوئد، حزب کمونیست کارگری ایران آکسیونی اعتراضی با موضوع نزدیک شدن به سالروز کشته شدن مهسا امینی که در واقع سالروز آغاز انقلاب "زن، زندگی، آزادی" است، برگزار کرد. این آکسیون با زتاب رسانه‌ای قبل توجهی در پی داشت.



روز شنبه پنجم آگوست، روزی بود که در بسیاری از کشورهای جهان فستیوال، رژه و جشن‌هایی با حضور همجنس‌گرایان و رنگین‌کمانی‌ها و فعالین این حوزه برگزار شد. هرساله در استکهلم پایتخت کشور سوئد یکی از بزرگ‌ترین رژه‌های افتخار برگزار می‌شود و صف ایرانیان را هرساله سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری ایران سازماندهی می‌کند.

امسال حزب کمونیست کارگری ایران با شعار "زن، زندگی، آزادی" در این رژه شرکت کرد و با استقبال باشکوه و بی‌نظیری از سوی مردمی که برای تماشا و تشویق این رژه حضور داشتند، روبرو شد. به گفته مسئولین شهر، تعداد مردمی که در دو طرف خیابان‌ها و مسیر راهپیمایی، برای تشویق رژه‌روندگان شرکت کرده بودند به ۶۰۰ هزار نفر بالغ می‌شد. استقبال پرشور این جمعیت عظیم از بنرهای زن، زندگی، آزادی که تزئین‌کننده صف سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری ایران بود به همراه بخش سرودهای انقلابی زن، زندگی آزادی و ترانه "برای" نشان داد که انقلاب مهسا تا چه حد مرزها را درنوردیده و چگونه حمایت میلیونی جامعه جهانی را به دست آورده است.



حزب کمونیست کارگری ایران شنبه پنجم آگوست، در ونکوور کانادا نیز با شرکت پرشور خود در راهپیمایی پراید، صدای انقلاب زن، زندگی آزادی و صدای کوئیرهای ایرانی را به جمعیت نزدیک به ۸۰۰ هزار نفری که شاهد این کارناوال بزرگ بودند، رساندند. صدای "زن، زندگی، آزادی" مورد حمایت بی‌بدیلی قرار گرفت. این حمایت وسیع و عمومی از بخشی از جامعه با گرایش‌های جنسی گوناگون، در عین حال، به معنی مخالفت آشکار جامعه علیه تبعیض و نابرابری، نسبت به همه افشار جامعه از جمله و خصوصاً تبعیض و نابرابری علیه حقوق زنان و کودکان در این جوامع است.



WWW.HENGAW.NET

زن زندگی آزادی

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: سروناز سینایی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر میشود

<https://www.facebook.com/wpIran>

تلگرام: https://t.me/wpi_hkki

<https://www.wpIran.org/>

<https://www.instagram.com/wpi91>

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpIran

اینستاگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

وبسایت: www.wpIran.org

ماهواره یاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین؛

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های؛

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com